

نقش آرامنه در سوسپال

دموكراسى ايران

(۱۹۰۵-۱۹۱۱)

خسرو شاكرى، آرشاویر چلنگریان،

تیگران درویش و...

به كوشش محمد حسین خسروپناه

فهرست مطالب

۷	یادداشت دبیر مجموعه
۱۱	مقدمه

بخش اول. نقش ارامنه در سوسیال دموکراسی ایران

۲۳	ارامنه ایرانی و پیدایش سوسیالیسم در ایران (۱۹۱۱ - ۱۹۰۵) خسرو شاکری ...
	حزب سوسیال دموکرات هنجاکيست و جنبش انقلابی در
۶۵	ایران (۱۹۱۱ - ۱۹۰۸) آرسن گوایدِر

بخش دوم. اسناد و مقاله‌ها

۷۷	فصل اول. اسناد و مدارک گروه سوسیال دموکرات تبریز
۷۵	۱. نامه‌ها
۷۷	نامه ژوزف کاراخانیان به گئورگی و. پلخانف (سپتامبر ۱۹۰۵)
۸۰	نامه آرشاور چلنگریان به کارل کائوتسکی (جولای ۱۹۰۸)
۸۴	پاسخ کارل کائوتسکی به آرشاور چلنگریان (اوت ۱۹۰۸)
۸۸	نامه آرشاور چلنگریان به کارل کائوتسکی (اوت ۱۹۰۸)
۸۹	نامه واسو. آ. خاچاطوریان به گئورگی. و. پلخانف (نوامبر ۱۹۰۸)

- نشست گروه سوسیال دموکرات تبریز (اکتبر ۱۹۰۸) ۹۸
- نامه آرشاور چلنگریان به گئورگی والتینوویچ پلخانف (دسامبر ۱۹۰۸) ۱۰۳
- نامه تیگران درویش (ترهاکویان) به گئورگی. و. پلخانف (دسامبر ۱۹۰۸) ۱۰۶
- نامه آرشاور چلنگریان به کارل کائوتسکی (ژوئن ۱۹۱۰) ۱۱۴
- نامه آرشاور چلنگریان به کارل کائوتسکی (اکتبر ۱۹۱۱) ۱۱۵
۲. مقاله‌هایی از سوسیال دموکرات‌های ارمنی تبریز ۱۱۷
- ریشه‌های اقتصادی و اجتماعی انقلاب ایران. آرشاور چلنگریان ۱۱۷
- دگرگونی در ایران آرداشس شهبازیان ۱۴۳
- انقلاب ایران. تیگران درویش ۱۵۳
- ایران پس از انقلاب آرشاور چلنگریان ۱۶۷
- ماجراجویی شاه پیشین آرشاور چلنگریان ۱۷۹
- اولتیماتوم روسیه و پیامدهای آن برای ایران ... به قلم یک ایرانی ۱۹۱
- فصل دوم. مقاله‌هایی از تیگران ترهاکویان (ت. درویش) ۲۰۳
- مسائل امروزه: ترور ۲۰۳
- اتحاد و تمرکز قوای جامعه ملت (کمیته نجات ملت) ۲۴۴
- بیوست شماره ۱: بیان‌نامه فرقه دموکرات ایران ۲۸۴
- بیوست شماره ۲: راجع به تشکیل کمیته نجات ملی ۲۸۹
- بیوست شماره ۳: کمیته نجات ملی ۲۹۵
- مسئله مستشاران خارجی ۳۰۰
- از تاریخ مالیه ایران ۳۱۸
- ملاقات پوتسدام و سیاست بین‌الملل ۳۴۷
- «اتحاد مقدس» بر ضد دموکراسی ایران ۳۶۸

مقدمه

پیشینه آشنایی ایرانیان با اندیشه‌های سوسیال دموکراتیک و تشکیل احزاب سیاسی در ایران به دوران سلطنت قاجارها بازمی‌گردد. بر اساس اسناد و مدارک موجود، برای نخستین بار، در دوره سلطنت ناصرالدین شاه از اندیشه‌های سوسیالیستی و فعالیت سوسیالیست‌های اروپا گفت‌وگو شد؛ در ۲۶ ربیع‌الاول ۱۲۹۷ ه. ق / ۸ مارس ۱۸۸۰ م روزنامه ایران با تجدید چاپ مقاله‌ای از روزنامه برون مرزی اختر، گزارش مغشوش و پراکنده‌ای درباره سوسیالیسم و سوسیالیست‌ها در اختیار خوانندگان کم‌شمار خود قرار داد.

در این مقاله درباره آمال و هدف‌های سوسیالیست‌ها نوشته شده است: «اصل مقصود این گروه آن است که فقرا و عمله را در کل اموال مردم مشترک سازند و از این راه معیشت و سعادت حال فقرا و رنجبران را حاضر جمعی بدهند... حتی بعضی مُصَنِّفین این عقیده جایز دانسته‌اند که جمیع اموال اغنیا باید بالسویه در میان فقرا تقسیم شود و در میان همه مردم اشتراک عمومی حاصل گردد» و اینکه «مقصودشان به طور خلاصه این است که می‌گویند روی زمین به منزله یک خانه است و اهل آن اهل یک خانه و اولاد یک پدر و مادر و همه برادروار زندگی کنیم؛ همه به عزت و افتخار و وسعت روزی و کمی زحمت عمر بگذرانیم. دیگر نه پادشاه خودرأی را لازم داریم و نه حکومت‌های مستبد را. این قدر هم که

همیون ایران را در سال ۱۳۲۴ ه.ق/ ۱۹۰۶ م در باکو تشکیل دادند و تا سال ۱۹۱۱ در ایران و قفقاز فعالیت کردند. اما پیش از این فرقه، شکل‌های سوسیال دموکراتیک ارمنی در ایران تشکیل شده بودند و فعالیت می‌کردند. زارع مارکاریان با استفاده از آرشو دیرمیخی نارستین‌ها در وین، مدعی است که در ۵ ژانویه ۱۸۹۱ چند نفر از روشنفکران ارمنی نخستین شکل مارکسیستی ایران را در تبریز ایجاد کردند.^۱ از آنان و همچنین فعالیت‌هایشان اطلاعی نداریم. احتمالاً ایشان از ارامنه‌ای بودند که طی دو دهه پایانی سده نوزدهم به خاطر ظلم و ستم ترکان عثمانی به ایران پناه آوردند و در شهرها و روستاهای آذربایجان و گیلان پراکنده شدند. روشنفکران و فعالین سیاسی آن‌ها تشکل‌هایی در شهرهای تبریز، خوی و سلماس ایجاد کردند و آن‌ها برای مبارزه با دولت عثمانی «انبارهای مهمات» تدارک دیدند و در جهت دستیابی به آزادی ارمنستان غربی فعالیت می‌کردند. دولت ایران فعالیت‌ها و عبور آنان از مرزهای دو کشور برای مبارزه با دولت عثمانی را نادیده می‌گرفت و حتی «به روزهای کشتار ارمنیان در ترکیه، ایرانیان جانب ارمنیان را می‌گرفتند.»^۲ از این رو، به نوشته لویس نعلبندیان، ایران در سده نوزدهم «کعبه انقلابیون» ارمنی محسوب می‌شد.^۳ روزنامه دروشاک در توضیح این امر نوشت: «آنگاه که روس‌ها "ما را به دست جلادان ترک سپردند"، آنگاه که انگلیس‌ها "ما را به دم توپخانه عثمانی رها کردند"، در این میان "تنها ایرانیان" بودند که به داد ارامنه رسیدند و "آن بیچاره‌ها" را پناه و نجات دادند.»^۴

قشون و اسباب جنگ که دولت‌ها برای خراب‌کردن خانه‌های یکدیگر و کشتن ابنای جنس ما ترتیب می‌دهند و روز به روز اسباب آدم‌کشی را ترقی داده و بی‌جهت و سبب، کرور کرور بنی آدم را بی‌هیچ گناهی فدای خیالات و هواهای نفسانی خودشان می‌کنند و مبالغی پول در این راه‌ها صرف می‌شود، هیچ‌یک از این‌ها لازم نیست.»^۱ نویسنده مقاله ضمن اشاره به کمون پاریس و اینکه «گروه بسیاری خاصه از طبقه پائین اهالی» اروپا به سوسیالیست‌ها پیوسته‌اند، تصریح می‌کند که تحقق هدف‌ها و آمال سوسیالیست‌ها «در کمال اشکال بل از قبیل محالات است.» رهبران آنان نیز به این امر پی برده‌اند و «خودشان هم وامانده‌اند که این چه غلطی بود که ما کردیم...»^۲

این مقاله و آثار مشابه آن، نقش و تأثیری در توضیح و ترویج دیدگاه‌ها و اندیشه‌های سوسیالیستی در ایران نداشت و فقط می‌توانست به اطلاع ایرانیان برساند که چنین اندیشه‌ای در اروپا پدید آمده است. در اصل، تبلیغ و ترویج اندیشه‌های سوسیالیستی در ایران دو منشاء متفاوت دارد: ۱. به وسیله ایرانیان مهاجری که در جست‌وجوی کار و زندگی بهتر به قفقاز مهاجرت کردند و تحت تأثیر سوسیال دموکرات‌های قفقازی قرار گرفتند^۳ و همچنین محصلان ایرانی که در روسیه و اروپا تحصیل می‌کردند اندیشه و عمل سوسیال دموکراتیک به ایران راه یافت. ۲. از طریق دو حزب ارمنی هنجاکیان و دانشناکتسوتیون که در دهه ۱۸۹۰ م شعبه‌هایی در مناطق ارمنی نشین ایران به‌ویژه تبریز، رشت، انزلی، تهران و... ایجاد کردند.

ایرانیان مهاجر به قفقاز هم‌زمان با انقلاب مشروطه، فرقه اجتماعیان

۱. به نقل از: حمید احمدی، «تجربه تازه‌ای در تاریخ شفاهی سه نسل مبارزین جنبش چپ»، نقطه، شماره ۷، بهار ۱۳۷۶، ص ۱۹.
 ۲. همانا، «پی‌آمدهای سیاسی و اقتصادی تنظیمات عثمانی»، بخارا، شماره ۵، فروردین-اردیبهشت ۱۳۷۸، ص ۲۸۱.
 ۳. به نقل از: همان، ص ۲۸۲.
 ۴. همان‌جا.

۱. روزنامه ایران، شماره ۴۱۲، ۲۶ ربیع‌الاول ۱۲۹۷، ص ۴.

۲. همان‌جا.

۳. برای اطلاع بیشتر بنگرید به: محمدحسین خسروپناه، «کارنامه و روزگار ایرانیان مهاجر در قفقاز ۱۹۰۰-۱۹۲۰»، نگاه نو، شماره ۴۳، زمستان ۱۳۷۸.

ارامنه ایرانی و پیدایش سوسیالیسم در ایران (۱۹۱۱-۱۹۰۵)^۱

خسرو شاکری
ترجمهٔ جمیله خسرویناه

مقدمه

در این مقاله، من مشارکت فکری ارامنه ایرانی در بسط عقاید و نهادهای سیاسی مدرن در ایران^۲ را مورد بررسی قرار می‌دهم و به برجسته کردن یاد و آثار چند نفر از اندیشمندانی می‌پردازم که سهم مؤثری در فرهنگ سیاسی [مدرن] ایران داشته اما نادیده گرفته شده‌اند. قبل از این کار، ارائهٔ پاره‌ای تذکرات و توضیحات مقدماتی الزامی است.

یکی از نتایج روابط تجاری بین‌المللی ایران در اواخر قرن نوزدهم میلادی فروریختن تدریجی ساختار اقتصادی کهن و مهاجرت روستائیان

1. Cosroe Chaqueri, *Armenian-Iranians and the Birth of Iranian Socialism (1905 to 1911)*.

^۲ برای بررسی نقش قاطعانهٔ نظامی و تشکیلاتی ارامنه در تقویت حکومت مشروطه در ایران بنگرید به:

[Cosroe Chaqueri], «The Role and Impact of Armenian Intellectuals in Iranian Politics», *Armenian Review*, 41/2, 41/4, 1988; Idem, «Social Democracy in the Iranian Constitutional Revolution», Chap. 6.

به طور فزاینده‌ای دارای آگاهی سیاسی شدند و به عضویت سازمان‌های سیاسی-ملی درآمدند.

در حالی که در اوت ۱۸۸۷، فرزندان ارامنه ثروتمند اروپا سازمان انقلابی چپ‌گرای «هنچاک» را در ژنو تأسیس کردند،^۱ گروه دیگری از ارامنه در [سال] ۱۸۹۰، «فدراسیون انقلابی ارامنه» موسوم به داشناکتسوتیون (به اختصار داشناک) را در تفلیس پدید آوردند.^۲ به نظر می‌رسد در حالی که حزب هنچاک اساساً فعالیت‌های خود را از غرب ترتیب می‌داد، داشناک‌ها خیلی زود تصمیم گرفتند که مراکز فعالیت‌های خود را در ایران دایر کنند و کارهای خود در ترکیه را از آن‌جا سامان دهند. در واقع این گروه داشناک در تبریز بود که در آوریل ۱۸۹۲ فراخوان اولین

۱. برای توضیح مشروح تشکیل این سازمان، بنگرید به:

L. Nalbandian, *the Armenian Revolutionary Movement*, Berkeley, 1963, chap. 5; and Hagopaturabian, «The Armenian Social Democratic Hentchakist party», In *Ararat* 3/35, May 1916; 4/37, July 1916.

به اختصار توضیح می‌دهیم که این سازمان توسط آوتیس نظربگیان و نامزد انقلابی او مریم واردانیان (مارو) تشکیل شد. هنچاک، رسماً، یک سازمان مارکسیستی بود، با این حال تحت تأثیر نارودنیک‌های روسیه نیز قرار داشت. بنیان فعالیت این سازمان بر تبلیغات، تشکیلات، تحریک و عملیات نظامی قرار داشت. هدف آنان ایجاد ارمنستان مستقل بود و به این منظور سازمان انترناسیونال ارمنی را تشکیل دادند. اگرچه در آغاز بسیاری از ارامنه را جذب کردند، ولی تأکید آنان بر سوسیالیسم به تدریج حمایت از آنان به ویژه از جانب سرمایه‌داران ارمنی در روسیه را کاهش داد. علاوه بر این مخالفت‌های داخلی نیز آنان را تضعیف کرد و به سمت اولین انشعاب در سال ۱۸۹۶ کشانید.

2. Nalbandian, *Armenian Revolutionary Movement*, Chap. 7; A.S.Safrastian, «Dashnaksuthiun: its past and present», *Ararat*, 2/18, December 1914.

داشناک توسط سه نفر ارمنی انقلابی قفقازی، کریستوفر میکائیلیان، رستم زوریان و سیمون زاواریان، در هنگامی که روش‌های انقلابی هنچاک گسترش یافت، تشکیل شد. داشناک‌ها در ابتدا از ایجاد ارمنستان مستقل دفاع نکردند بلکه فقط برای استقلال داخلی در کشور عثمانی مبارزه می‌نمودند. آن‌ها تلقی خودشان از سوسیالیسم را مطرح می‌کردند و به عنوان هدف اولیه بر مسئله ملی تأکید می‌کردند.

و پیشه‌وران بود. ده‌ها هزار پیشه‌ور و دهقان تهری دست ناگزیر به ترک زندگی و کار آباء و اجدادیشان شدند و در جست‌وجوی یافتن ممر درآمدی برای گذران زندگی به سرزمین‌های بیگانه مهاجرت کردند. در میان آنان، گروهی از ارامنه ایرانی مناطق غربی آذربایجان نیز بودند که به قفقاز و به ویژه به ارمنستان مهاجرت کردند.^۱

ظهور سازمان‌های انقلابی ارامنه

کسانی که به قفقاز مهاجرت کردند به ناگزیر با زندگی سیاسی‌ای که در مراکز صنعتی مدرن شکل می‌گرفت، ارتباط برقرار کردند. مهاجران

۱. اطلاعات ما درباره ترکیب قومی این مهاجرت خیلی ناقص است. سلطانزاده به مهاجرت توده‌های مستضعف مردم به هندوستان، امریکا و قفقاز اشاره می‌کند. این فرض چندان هم مبتنی بر حدس و گمان نیست زیرا هیئت مبعوثان امریکایی در میان ارامنه ایرانی آذربایجان غربی فعالیت می‌کردند و آن‌ها کسانی بودند که به همین منظور از امریکا آمده بودند تا نه در میان ایرانیان مسلمان بلکه در میان روستائیان و صنعتگران ارمنی فعالیت کنند. همچنین این نظر قابل اعتماد است که مهاجرت از ایران به مناطق ارمنی‌زبان قفقاز برای ارامنه ایرانی نسبت به دیگران از جاذبه بیشتری برخوردار بود. برای گزارش سلطانزاده بنگرید به:

Bulletin Communiste (Paris), no. 3, July 1921; Moscou, no. 27, July 1921; C. Chaqueri, ed., *Historical Documents: the Workers, Social-Democratic and Communist Movement in Iran* (henceforth *Historical Documents*) IV, Paris, 1986, p. 86;

برای آگاهی از مهاجرت ایرانیان در این دوره ر.ک.

N. K. Belova, «ob otkhodnichestive iz servero zap adnovo Irana V kontse XIX-Nachale XX veka», *voprasy Istorii*, no. 10, 1956, pp. 112–21 (truncated french translation in C. Chaqueri, *La Social-Democratie en Iran* (henceforth, *S-D Iran*), Florence, 1978, pp. 53–62.

برای آگاهی بیشتر در این زمینه - اگرچه مهاجرت ارمنی‌های ایرانی را به ایالات متحده شامل نمی‌شود - بنگرید به

Chaqueri «Social-Democracy», Chap 3. G. Hagopian, «The Immigration of Armenians to the United States», *Armenian Review*, 41/2, pp. 67–76.